



نمودِ نوستالژی در رساله خلسه اعتمادالسلطنه^۱

رضا عبادی جامخانه^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۳

چکیده

هدف پژوهشگر در مقاله بررسی «نمودِ نوستالژی در رساله خلسه اعتمادالسلطنه (۱۲۵۹-۱۳۱۳ق)» می‌باشد؛ این رساله از آخرین نوشته‌های وی و دربرگیرنده اندیشه‌های سیاسی‌اش مبتنی بر نظام گفتمان خلسه‌ای بوده است. خلسه، همان حالتی روانی در وجود انسان است که در آن بخش ناخودآگاه ذهن فعال‌تر از بخش خودآگاه است یا به عبارت دیگر، همان ورود به عالم ناخودآگاه ذهن، با رویکرد روانشناسانه می‌باشد و نوستالژی در اصطلاح حسرت نسبت به آن چیزی که از دست رفته است بیان شده است. در گردآوری اطلاعات این پژوهش از روش تحقیق تحلیلی- تاریخی استفاده شد. اعتمادالسلطنه از منورالفکران تأثیرگذار دوره ناصری می‌باشد که در تکوین ادبیات شبه‌مدرن ایران و تاریخ‌نگاری نوین نقش اساسی داشته و هدف وی از نگارش رساله خلسه محاکمه و استنطاق خیالی وزاری قاجار به ویژه حسین سپهسالار و امین‌السلطان بوده و نتایج پژوهش نشان می‌دهد آرکائیسیم و ناسیونالیسم دو مؤلفه برآمده از احساسات نوستالژیکی در متن خلسه می‌باشند که نشان از وجود این احساس در گفتمان خلسه‌ای اثر اعتمادالسلطنه و تا حدودی زمینه‌ساز ادبیات پیش از مشروطه به شمار می‌آید.

واژه‌های کلیدی: نوستالژی، خلسه، ادبیات قاجاریه، اعتمادالسلطنه

^۱ - عبادی جامخانه، رضا (۱۴۰۳). نمودِ نوستالژی در رساله خلسه اعتمادالسلطنه، فصلنامه تحقیقات تاریخ ایران دوره اسلامی، سال اول، شماره

دوم، تهران: ص ۶۵-۸۳

^۲ - دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، آموزش و پرورش، مازندران، نکا. پست الکترونیک: ebadifr@gmail.com

بیان مسئله

متون تاریخی- جامعه‌شناسی «که محصول و مولود حیات و محیط اجتماعی‌اند (زرین‌کوب، ۱۳۸۸: ۷۵) هم از تحولات سیاسی- اجتماعی اطراف خود تأثیر می‌پذیرند و هم بر تحولات اطراف خود مؤثر می‌باشند، عشق و علاقه به ایران باستان و عصر اساطیری، یکی از جنبه‌های غیرقابل انکار در بسیاری از متون تاریخی، جامعه‌شناسی، ادبی و زبان فارسی می‌باشد که به اشکال و شیوه‌های گوناگون در داستان‌نویسی شبه‌مدرن ایران عصر قاجاریه به منصفه ظهور رسیده است.

از مبانی بسیار شایع این حس و علاقه درونی، احساس نوستالژیکی می‌باشد که در برخی از متون به صورت یک حس فردی و در متون دیگر به صورت یک احساس جمعی قابلیت تحلیل و بررسی را در متون تاریخی- جامعه‌شناسی پیدا می‌کند. به عبارت دیگر عده‌ای از نویسندگان به نوستالژی اجتماعی به ویژه در زمینه تاریخ و تمدن ایرانی و دیگر گروه به نوستالژی فردی گرایش دارند، گروهی به نوستالژی گذشته‌گرا و دیگر گروه به نوستالژی آینده‌گرا تبادر می‌ورزند. بازگشت به عهد باستان و «قهرمانان اسطوره‌ای» از برآیندهای این احساس درونی است که در نقطه آغازین داستان‌نویسی شبه‌مدرن در ایران مانند رساله «خلسه یا خواب‌نامه» اعتمادالسلطنه قابل تحلیل و بررسی در محور جامعه‌شناسی تاریخی است.

از دیگر نکات برجسته در این بازگشت ذهنی و درونی بازتاب مسأله تجزیه ایران و شکست سیاسی و اجتماعی حکومت قاجار در جنگ با روسیه و انگلستان در زمان تألیف همین اثر- خلسه- می‌باشد. «شکست جنبش ملی شکستی سخت بود. مردم، تجربه‌های عمیق سیاسی نداشتند و از موقعیت جهان و بند و بست‌های پس پرده بی‌خبر بودند؛ از این رو هنگامی که شکست همچون فرمان قاطع «سرنوشت» فرود آمد، بر حیرت‌شان افزود» (دستغیب، ۱۳۷۳: ۱۲۰) که این جریان، دارای نوستالژی اجتماعی است و در زبان نوستالژی‌پرور به منصفه ظهور می‌رسد.

۱-۱- بیان مسأله

خلسه را شاید بتوان حالت خاصی دانست که انسان در آن می‌تواند با ابعاد ماورائی و الهی وجود خود ارتباط برقرار کند و توجه خویش را از امور عادی و معمولی جدا کند؛ در حالت خلسه بخش خودآگاه ذهن کنار رفته، و بخش ناخودآگاه فعال می‌شود که از این حالت می‌توان حسن استفاده- برای القای معروفات- و یا سوءاستفاده- برای القای منکرات- نمود. برخی خلسه را حالتی بین خواب و بیداری می‌دانند، حالتی شبیه به چرت زدن، حالتی مانند گیجی، ماتمی، منگی و کرخی؛ عده‌ای نیز معتقدند که در این حالت انسان تحت تأثیر نیروهای دیگر می‌تواند با ابعاد ماورایی ارتباط برقرار کند. (بهاء ولد، ۱۳۶۸: ۲۹۰). «میان نوم و یقظه بودم که صدای مهممه شنیدم، گفتم سبحان‌الله در چنین روزی و در چنین مسجد خرابه هم مردم این سرزمین شخص را آسوده نمی‌گذارند...» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۲۵).

کتاب خلسه تألیف اعتمادالسلطنه (۱۲۵۹-۱۳۱۳ق) از آخرین نوشته‌های وی و دربرگیرنده اندیشه‌های سیاسی-اجتماعی وی مبتنی بر نظام گفتمان خلسه‌ای می‌باشد، وی در این کتاب چنان وانمود می‌کند که در حالت بین خواب و بیداری دیده است که پادشاهان ایران از قبیل؛ کورش، داریوش، اشک اول، اردشیر بابکان، انوشیروان، شاه اسماعیل صفوی، نادرشاه بزرگ و آقامحمدخان قاجار، یازده تن از صدر اعظمان قاجار را از حاجی ابراهیم اعتمادالدوله شیرازی تا میرزا علی اصغرخان اتابک مشهور به امین‌السلطان، به بازپرسی کشیده و درباره آنان داوری کرده‌اند. نوشتن این اثر پس از سفر ناصرالدین‌شاه به عراق عجم، آغازگردیده که مابین سال‌های ۱۳۱۰-۱۳۰۹ه.ق می‌باشد. «نثر کتاب بر روی هم ساده و روان و تا اندازه سخته و پخته است البته در جای‌جای جمله‌ها در هم ریخته و نارساست و این نشان از این است که نویسنده در ادبیات فارسی دستی داشته و مایه اندوخته است» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۱۴ و ۲۵۹) از مؤلفه‌های گفتمان خلسه‌ای حضور زمان کیفی به جای زمان کمی و نبود وضعیت استدلالی مبتنی بر منطق برنامه‌محور می‌باشد که موجب می‌گردد که گفتمان در یک آن گفتمانی و یک لحظه ایجاد شوک و یا تکانه صورت گیرد و فاصله بین ارسال و دریافت معنا صفر باشد. براساس نظر قاسم غنی مصنف خلسه آن را به اتمام نرسانیده است واصل نسخه دست‌نوشته که به خط مرحوم میرزااحسین فروغی ملقب به ذکاءالملک... گویای این نظر است. «علت عدم اتمام کتاب توسط مؤلف ظاهراً به دلیل ترس از استنطاق امین‌السلطان بوده و چاره‌ای نداشته مگر آنکه دست نگه دارد تا ببیند سرانجام اتابک چه خواهدشد و آن گاه کتاب را به پایان رساند» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۸).

با همین رویکرد، «سیر تاریخی جامعه ایران در دوران بعد از اسلام دارای دو لایه است؛ یک لایه رویین که همان شرح وقایع است که تاریخ‌نگاران از آن حرف زدند و یک لایه زیرین که جریانی است که به بیان خاص به گفتن آمد که آن را تا اندازه باید در متون پی گرفت» (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۴: ۱۰۸).

در سویه دیگر این مطلب نقش متون ادبی و تاریخی در ماندگارکردن اندیشه‌های ایران و اسلام نیز بدون تردید پذیرفتنی است. «آثار ادبی پُل میان گذشته و امروز به شمار می‌آیند و علائق ما را با میراث‌ها پیوند می‌زنند» (گلدمن، ۱۳۷۲: ۹۲).

با توجه به موارد مطرح شده فوق در این مقاله درباره مفاهیم، طبقه‌بندی، برآیند و مبانی ایجاد حس نوستالژیکی مطالبی بیان، و سپس «خلسه» اعتمادالسلطنه با رویکرد نوستالژیکانه مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت. مقاله درصدد پاسخ به این سؤال است که؛ (الف) آیا می‌توان «خلسه» اعتمادالسلطنه را با رویکرد نوستالژیکانه نگرست؟ (ب) مؤلفه‌های برآمده از این احساس در درون متن تاریخی-اجتماعی «خلسه» کدام‌اند؟

۲-۱- پیشینه و ادبیات نظری پژوهش

برجسته‌ترین مبانی پیدایش نوستالژی در جامعه

نوستالژی^۱ واژه فرانسوی که از دو سازه یونانی بازگشت^۲ و درد^۳ و رنج تشکیل شده که معنی لغوی آن بازگشت درد و رنج می‌باشد. در فرهنگ آکسفورد مفهوم نوستالژی «حسرت نسبت به آن چیزی که از دست رفته است» بیان شده است. در فرهنگ^۴ برابرهای ادبی «یاد و دریغ، غم غربت» بیان شده است (حسینی، ۱۳۸۰: ۱۱۱). در دایره معنایی این واژه در زبان فارسی معانی چون: غم غربت، احساس غربت، احساس تنهایی، احساس اندوه و رنج، حسرت خوردن نسبت به گذشته‌ای ایده‌آل- واقعی یا خیالی- قرار دارد. در تعریف این احساس ذهنی و درونی آمده است: «نوستالژی- حس نوستالژیکی- از دیدگاه آسیب‌شناسی روانی به رؤیایی اطلاق می‌شود که از دوران گذشته پُر اقتدار نشئت بگیرد گذشته‌ای که دیگر وجود ندارد و بازسازی آن ممکن نیست» (شریفیان، ۱۳۸۷: ۲۰۷). از برجسته‌ترین مبانی ایجاد این احساس در ذهن انسان و استمرار دادن آن می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف) دوری از وطن: از شایع‌ترین خاستگاه پیدایش حس نوستالژیکی در درون انسان دوری از وطن، زادگاه، خانه و خانواده است. مصادیق وطن در دوران مختلف متفاوت است، «تلقی قُدا از وطن به هیچ‌وجه همانند تلقی نیست که ما بعد از انقلاب کبیر فرانسه داریم، وطن برای مسلمانان یا ده و شهری بوده که در آن متولد شدند که نمونه بارز آن در آثار^۵ اقبال لاهوری دیده می‌شود که بهترین تصویر ناسیونالیسم اسلامی است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۱: ۳۶).

ب) حسرت از دست رفتن جامعه آرمانی: مانند از دست رفتن جامعه صدر اسلام با رویکرد مذهبی برای طرفدارانش، از دست رفتن حکومت ایران باستان برای ناسیونالیست‌ها دوران قاجار، و...

برجسته‌ترین برآیند ظهور نوستالژی

لازم به توضیح نیست که تحولات درونی ما بر روی حرکات ظاهری‌مان تأثیر مستقیم می‌گذارد در بحث مؤلفه و برآیند حس نوستالژیکی ما یک نگاه اکسپرسیونیستی^۶ به متون تاریخی داریم یعنی درصدد پیوند تأثرات درونی نویسنده با خاطرات و رخدادهای بیرونی زندگی وی هستیم. لذا از برآیندهای این حس درونی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: (الف) انزواطلبی: انزواطلبی، گوشه‌گیری؛ (ب) آرمان‌پنداری، بیماری‌های تخیلی- با رویکرد آینده‌گرا؛ (ج) آرکائیسم و اسطوره‌پردازی: از برآیندهای احساس غم غربت در فضای ذهنی بازگشت ذهنی به دوران و خاطرات گذشته می‌باشد.

^۱ - nostaligi

^۲ - nostos

^۳ - alogos

^۴ - expressionism

پیشینه تحقیق

شمیسا (۱۳۸۷) در تقسیم‌بندی نوستالژی در دو بُعد فردی و جمعی آن را «زاده فطری بشر» دانست که خلاصه نتایج تحقیق شمیسا به شرح زیر بیان می‌شود: نوستالژی را می‌توان به دو قسمت شخصی و اجتماعی تقسیم‌بندی کرد. در این تقسیم‌بندی تعیین می‌گردد که نوستالژی به وجود آمده، از فرآیند درونی یک فرد است یا برآمده از درون یک گروه یا جامعه می‌باشد.

(۱) نوستالژی شخصی (فردی): حسرتی را که هر انسان در زندگی خود به خاطر از دست رفتن لحظات خوش گذشته، از دست رفتن معشوق و... دارد که «زاده فطری بشر» است.

(۲) نوستالژی جمعی (فرافردی): نوستالژی‌ای که یاد کردن آن از زبان نویسندگان در متون تاریخی، ادبی، هنری و... درد همگانی را در اذهان زنده می‌کند (شمیسا، ۱۳۸۷: ۲۴۹).

غنی‌پور و همکاران (۱۳۸۹) در تحلیل و دسته‌بندی نوستالژی بر مبنای تقدّم و تأخر زمانی و میزان تداوم به نتایج زیر دست یافتند:

(۱) نوستالژی آینده‌گرا: حسرت ناشی از ناکامی در رسیدن به آرمانشهر.

(۲) نوستالژی گذشته‌گرا: حسرت دوران خوش گذشته: مثل حسرت دوران کودکی در دوران پیری، حسرت وطن بعد از هجرت از سرزمین مادری.

بر مبنای میزان تداوم.

الف) نوستالژی آنی: هر انسانی لحظه‌ای از لحظات زندگی خود را در حسرت از دست رفتن فرصت‌ها یا در آرزوی به دست آوردن موقعیت‌ها سپری می‌کند و این همان حس نوستالژیکی موقتی است که جزو ویژگی سبکی یک متون ادبی به حساب نمی‌آید.

ب) نوستالژی مستمر: نوستالژی برخلاف نوستالژی آنی حس درونی است که به صورت مداوم در ذهن فرد وجود دارد و بر روی شخصیت و رفتار فرد مؤثر است. لذا در وجود بعضی از افراد ویژگی روانی و صفت متمایز شخصیتی و در آثار بعضی از نویسندگان، با وجود بسامد بالای آن ویژگی سبکی به حساب می‌آید.

۳-۱ - ضرورت و اهمیت تحقیق

در چند دهه اخیر، نقد روان‌کاوانه از پویاترین و پرکاربردترین رویکردهای نظریه ادبی و متون تاریخی معاصر بوده است؛ اما پژوهشگران ما در عرصه نقد ادبی از یک طرف، کمتر به این نقد پرداختند و از طرفی دیگر، تحقیقات محدود آن‌ها، بیشتر به آثار درون‌گرایانه و پُر رمز و رازی چون «بوف کور» و مکاتب خاصی مانند سورئالیسم منحصر بوده است. هنر به طور عموم و شعر و ادب علی‌الخصوص، عبارت است از تناسب و هماهنگی درونی و ذهنی که بین وسائط و قوای معرفت حاصل می‌شود و در ظرف احساس تجلی می‌نماید (زرین‌کوب، ۱۳۸۸: ۸۱).

نوستالژی در ادبیات و متون تاریخی، رفتار ناخودآگاهی که از شاعر یا نویسنده سر می‌زند و در مؤلفه‌های گوناگون در آثار آنان به ظهور می‌رسد. این اصطلاح از آسیب‌شناسی روانی وارد ادبیات شده است و نقد روانکاوی (از شاخه‌های نقد ادبی) بررسی این مفهوم را در آثار ادبی بر عهده دارد. با توجه به مطالب گفته‌شده در نقد روانکاوی، متن در عمق معنای خود به آینه بدل می‌شود که آسیب‌ها و نژندهای روانی آفریننده خود را باز می‌تاباند. این رفتار ناخودآگاه شخصی (نوستالژی) که در ادبیات ما به ویژه در متون عصر قاجاری وجود دارد، می‌تواند از زوایای گوناگون و بنا بر ملاک‌ها و مبنای مختلف در نقد روانکاوی متون این دوره و کتاب خلسه اعتمادالسلطنه مورد تحلیل و بررسی روان‌شناختی قرار بگیرد.

۱-۴- روش پژوهش

روش تحقیق در این مقاله تحلیلی- تاریخی بوده و منابع عمده ما آثار اعتمادالسلطنه به ویژه کتاب خلسه می‌باشد.

۱-۵- خلسه

خلسه در رویکرد عرفانی؛ حالتی عرفانی ناب است که حاصل رهایی انسان از من محدود و رسیدن به من حقیقی و اتحاد با آن است. در واقع کیفیتی است عرفانی که در آن خود انسان با خود خود او به اتحاد می‌رسد که، «عرف از این حالت عروج روح عارف و برداشتن حجاب از دیده سالک تعبیر به خلسه می‌کنند و خلسه را مرتبه‌ای از تجرد نفس می‌دانند که از سوی بارگاه الوهیت روی می‌دهد که از این عالم غافل می‌شوند و به عالم روحانی مربوط می‌گردند» (طغیانی اسفراینی، ۱۳۸۹: ۷۴).

خلسه از رویکرد روانشناختی نیز قابل تحلیل و بررسی است، از آن جایی که «با تمهیداتی مثلاً هیپنوتیزم یا حالت بیخودی و خلسه می‌توان به بخش ناخودآگاه وارد شد» (شمیسا، ۱۳۸۸: ۲۵۴). «دیدم احدی نیست اما از هر طرف صداها مسموع می‌شود. رعب مرا گرفت و با خود اندیشیدم و گفتم خانه خدا جای جن و پری نیست پس این همه صدا چیست و از کیست؟.... در پناه محجری خزیدم،....» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۲۵).

«صوفی برای تحریک اعصاب و نیل به حالی که از آن تعبیر به بیخودی- خلسه- می‌کنند گاه به مواد تخدیرکننده یا سُکرانگیز متوسل می‌شده‌اند» (زرین‌کوب، ۱۳۸۵: ۹۴) و شاید از جنبه‌های دیگر شیوع بخشیدن به این امر در میان نویسندگان، زشت جلوه ندادن این امر در رویکردهای مذهبی باشد «در بسیاری از آیین‌های مذهبی قدیم خودآگاه را به وسیله مواد مُسکر یا مخدر ضعیف یا محو می‌کردند تا مانع بروز ناخودآگاه نشود، تجربه نوشتن در پناه مخدر و مُسکر در مکتب‌های نوین هنری هم معمول بوده است» (شمیسا، ۱۳۸۲: ۲۵۳).

بنابراین به نوعی می‌توان دو مورد خلسه در متون تاریخی قائل شد؛ خلسه با مبانی آگاهانه و رویکرد ایجاد خلسه- مصنوعی- و دیگر، خلسه ناخودآگاه و یا همان خلسه طبیعی. «احوالات عرفانی جنبه انفعالی دارند

ولی از راه مراقبت و تأمل و به کمک تکرار بعضی از حرکات خاص و همچنین با خلوت‌نشینی و عزلت می‌توان این احوال و خواطر را تجدید و اعاده کرد و گاه نیز به کمک داروهایی چون تریاک و بنگ و حشیش و قهوه چیزی از آن احوال را به عمد و به طور مصنوعی می‌توان پدید آورد» (زرین‌کوب، ۱۳۸۵: ۱۱).

«در خلسه زمان شمارشی به زمان کیفی حضور تغییر می‌یابد که این زمان پدیده‌ای زمان غیرمادی و غیرتقویمی می‌باشد، ویژگی آنی دارد گویا زمان را به شتاب زمانی تبدیل می‌کند و همین پیشتازی زمان عامل ایجاد شکلی از خلسه در گفتمان است و هیچ را فرصت مقاومت در برابر این شتاب زمانی نیست» (شعیری، ۱۳۹۱: ۱۳۴) و این همان «زمان پیش‌تر از خود می‌باشد» (Ricoeur, 1990: 107) که زمان خلسه‌ساز است.

«چه بگویم که چه دیدم و در هر آن چه گونه بر خود لرزیدم، آنان که از راه دور و دراز خلسه و مکاشفه میلی پیموده‌اند و در این پیدای ناپیدا کنار ساعتی سفر نموده‌اند» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۲۹).

۲- بحث و تحلیل توصیفی داده‌ها

محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه فرزند دوم حاج علی‌خان، در سال ۱۲۵۹ ه.ق متولد شد و در سال ۱۳۱۳ ه.ق، از دنیا رخت بر بست. درباره اعتمادالسلطنه و ویژگی‌های شخصیتی و اجتماعی، علم ایشان، سیاست ایشان حرف‌های فراوانی زده شده است و به دور از غرض‌ورزی باید بیان داشت «اعتمادالسلطنه به زمان خود، مردی دانشمند بوده و خود چند کتاب نوشته و یا ترجمه کرده است» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۲۹).

۲-۱- اهداف اعتمادالسلطنه در نگارش رساله خلسه

طرح داستان «خواننامه» این امکان را به اعتمادالسلطنه داده است تا در این محکمه خیالی، صدراعظم‌های قاجار به لحاظ عملکرد، مورد داوری قرار گیرند. بدین ترتیب، اعتمادالسلطنه اولاً از منظر متجددمآبانۀ خود به بررسی کارنامه نخست‌وزیران قاجاری پرداخته است و ثانیاً با دو صدراعظم معاصر خود که با آنان رقابت و خصومت و دشمنی شخصی (ناشی از حسادت‌ها و جاه‌طلبی‌های شخصی) داشته است (یعنی سپهسالار و «امین‌السلطان» به‌ویژه این دومی) تسویه حساب نموده است.

البته اعتمادالسلطنه واپسین بخش رمان‌واره «خلسه» (که مربوط به بررسی اعمال امین‌السلطان است) را به دلیل ترس از امین‌السلطان اتمام نرسانده بود و ظاهراً منتظر بوده است تا پس از پایان صدارت او، آن بخش را کامل کند که سکتۀ ناگهانی مجالش نداده و پیش از برکناری امین‌السلطان، در سال ۱۳۱۳ ه.ق درگذشته است. اما روند کلی داستان دفاعیه‌هایی که صدراعظم‌ها از خود انجام داده و قضاوت‌هایی که درباره‌شان صورت گرفته است، به وضوح حکایت از آن دارد که همگی تقریباً تبریۀ شده‌اند و میرزا حسین‌خان سپهسالار اندکی مقصر دانسته شده و مقصر اصلی، امین‌السلطان قلمداد گردیده است؛ به همین دلیل اعتمادالسلطنه روزنامه خاطراتش را پر از بدگویی‌ها نسبت به

وی کرده است و او را «وزیر جاهل» (همان: ۷۹) و «دستور بدگوهر» (همان: ۸۹۱) نامیده و صدمات وارده به خود را از طرف امین‌السلطان بالاتر از صدمات «ابن‌زیاد» به «امام حسین (ع)» (همان: ۱۰۲۲) دانسته است. اوج نفرت و نارضایتی از امین‌السلطان را می‌توان در محاکمه خیالی وی جستجو کرد. اعتمادالسلطنه در اواخر این رساله تمام عقده‌های درونی‌اش را نسبت به امین‌السلطان به رشته تحریر در آورده، به گونه‌ای که در محاکمه خیالی او توسط آقامحمدخان قاجار از زبان خان قاجار می‌گوید:

«کیست که گلشن ما را گلخن ساخت و اخلاف ما را به این روزگار انداخت و کارها را تباه ساخت و مملکت را نکبت و ثروت را عسرت و صبح را شام و صفای خلام کرد.» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۶۴).

۲-۲- ساختار رساله خلسه

زمان تألیف: تألیف رساله خلسه ما بین سال‌های ۱۳۱۰-۱۳۰۹ ه.ق بوده که نویسنده- محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه- از همراهان رکاب موکب معظم شاهنشاه ایران ناصرالدین‌شاه می‌باشد. شیوه گردآوری اطلاعات و منابع: از منابع مهم رساله خلسه کتب «شرح حال صدراعظم‌های پادشاهان قاجار» و «تاریخ منتظم» تألیف نویسنده می‌باشد. مکان توصیف: مسجد شاه‌طهماسب اول صفوی در شهر ساوه که در زمان توصیف ماجرا مخروبه‌ای بیش نبوده است.

اوضاع روحی، روانی نویسنده در زمان تألیف: خدمت مدت طولانی در دربار قبله عالم، سرخوردگی و احساس یأس، گرفتاری مالی، رنج انواع بیماری از قبیل: درد قلب، سردرد، پادرد، نداشتن فرزند، شکست‌های مستمر سیاسی- اجتماعی ایران در داخل و خارج کشور، بدبینی ناصرالدین‌شاه به او در اواخر عمرش و خستگی ناشی از مسافرت‌ها بیان‌گر اوضاع روحی- روانی نامناسب نویسنده رساله خلسه می‌باشد.

شخصیت‌های داستان: اشخاص و قهرمانان اسطوره‌ای در این گفتمان خلسه‌ای از دو بُعد شخصیت‌های اساطیری و یازده تن از صدور دوره قاجار قابل بررسی می‌باشد.

ویژگی‌های برجسته و بارز در متن رساله خلسه:

الف) توجه به اهمیت علوم نوین از قبیل: سیاست، روابط خارجی، اقتصاد، تاریخ، جغرافی و باستان‌شناسی.
ب) تخریب آثار باستانی.

پ) توصیف عالم خواب و بیداری مؤلف خلسه: جهل و بی‌خبری و عدم اطلاع تاریخی و محو آثار باستانی که از مشاهدات مؤلف در این سفر بوده بسیار وی را که از مورخین نوگرای قاجاری بوده؛ اندوهگین ساخته و بر کسالتش افزوده بود: «از پس متأثر شدم به لمحهای آسایش گشتم، خشت پاره‌ای چند در صحن مسجد بود،

بالشی از آن برای خود ترتیب دادم و عبایی بر سر کشیدم چشم‌ها را روی هم گذاشته بلکه خواب روم و از خیال تن زنم....» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۲۹).

ت) نزدیکی متن به عالم مکاشفه: خلسه همان حالت بین خواب و بیداری، که از آن، به مکاشفه هم تعبیر نموده‌اند، چیزهایی را ببیند یا درک کند که دیگران درک نمی‌کنند. «در آن عالم که بودم، دیدم گنبد مقصوره مسجد شکافته شد. جمعی به صورت انسان و در معنی فرشته از بالا به پایین آمدند و به تنظیف مسجد پرداختند بعضی جاروب‌ها از دم طاووس ساخته، صحن را روفتند.... بوی خوش هوا، فضا را احاطه نمود. پس از آن در همه جا فرش‌های زربفت و دیبا گسترده و هشت کرسی زر در دو طرف محراب گذاشتند و پرده‌ای از پارچه بسیار نفیس اعلا در برابر محراب آویختند و جای پیشوا را از سایر امکنه مفروز ساختند» (همان: ۲۶).

۲-۳- مؤلفه‌های نوستالژی در متن خلسه

۲-۳-۱- گذشته‌گرایی

یکی از موضوعات اساسی و مهم در متون تاریخی- ادبی و ادبیات داستانی معاصر، رابطه و پیوندی است که بین اسطوره تاریخ و قهرمانان تاریخی و انعکاس آن در متون ادبی- تاریخی، رمان و گفتمان خلسه‌ای وجود دارد. «از ویژگی‌های دیگر متن خلسه اجتماع دو بُعد تنشی زمان در یک نقطه زمان کیفی؛ که قدرت شناخت و دریافت را از مخاطب سلب می‌کند. تلاقی همزمان دو زمان در یک زمان و آنیت^۱ گذر از یکی به دیگری، زمان را در خلسه به تلاطمی از زمان تبدیل می‌کند» (شعیری، ۱۳۹۱: ۱۳۸). اهمیت این مقوله زمانی آشکارتر می‌گردد که توجه داشته باشیم، گرایش به اسطوره‌ها و قهرمانان تاریخی در مقاطع زمانی گوناگون، دلایل خاص خود را داشته و به آن دلایل؛ با شدت و ضعف همراه بوده است. از این رو نویسنده در متن خلسه می‌نویسد: «چرا آن‌چه را گذشتگان ما ساخته‌اند خود به عمد خراب می‌کنیم و با تیشه جهل ریشه مفاخر مملکتی خویش را از بن و بیخ برمی‌کنیم» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۲۴). در گرایش به نگارش رمان‌های اسطوره‌ای همانند رمان‌های تاریخی باید به دلایلی مانند ضرورت زمانه، تمایل نوستالژیک و حس درونی نویسندگان توجه داشت؛ اما اینکه نویسندگان با چه جریان‌های فکری یا سبکی و با چه ماهیت و انگیزه‌هایی به بازتاب روایت‌های اسطوره‌ای در آثار خود پرداخته‌اند، مقوله‌ای است که توجه به آن می‌تواند رهگشای تحلیل بسیاری از آثار و یا جریان‌های تاریخی- ادبی معاصر و هم چنین بازگویی فضای فرهنگی و اجتماعی برهه‌های مختلف باشد.

۲-۳-۲- نموده‌های آرکائیسیم در متن خلسه

الف) واژه: «فروید دریافت‌ه بود که بیماران روانی ناخودآگاه گاهی به جای واژه‌ای از واژه دیگری استفاده می‌کنند که مبین مسألهٔ روحی است و از این رو به جای هیپنوتیزم از مکالمه با بیمار سود می‌برد، به نظر او تمایلات واپس‌زده‌شده در ناخودآگاه، گاهی خود را به صورت لغزش‌های زبانی یا رفتاری نشان می‌دهند، در ادبیات هم نویسندگان یا شاعر به جای واژه و جمله‌ای متعارف از واژه و جمله‌ای دیگر استفاده می‌کند» (شمیسا، ۱۳۸۸: ۲۵۳). واژه در متن، از ابزارهای برجستهٔ زبانی - بیان - است که نویسنده برای بیان حالات و عواطف و احساسات درونی خویش از آن استفاده می‌کند. واژگان درون متن خلسه غالباً گرایش به واژگان ادبیات دورهٔ ساسانی و سبک خراسانی دارد «*بدن را انتعاشی حاصل آمد، دماغ تر شد*» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۲۴). واژه از لحاظ رفتاری که شاعر با آن دارد یعنی نحوهٔ کاربرد آن در متن قابل توجه می‌باشد. واژه در متن تنها بر مدلول خود دلالت نمی‌کند بلکه در آن نوعی گریز از معنی قراردادی و یا جذب معانی جدید وجود دارد. «*به فرنگی و فرنگ معتقد نبودم اما برای اصلاح مزاج از ادویهٔ آنها صرف می‌نمودم*» (همان: ۱۲۲). «در هر حال واژه برای نویسنده تنها یک لفظ معمولی نیست بلکه دنیایی است شگفت‌انگیز که در آن هم عاطفه و احساس و موسیقی وجود دارد و هم مفاهیم فرهنگی، اجتماعی و هنری». (زرین‌کوب، ۱۳۶۷: ۱۹۰) و از این رو، برخی معتقد به «شناسنامه‌دار بودن ایدئولوژیکی» (فلکی، ۱۳۷۸: ۱۱۱) واژگان در متون تاریخی - ادبی می‌باشند.

ب) تصویر: کارکرد تصاویر در بیان احساسات درونی بسیار بالاست؛ از تصاویر واقعی گرفته تا تصاویر ادبی در متون. یکی از نموده‌ها احساس نوستالژیکی در متون تصویر است استفاده از نمادهای اساطیری و بیان اسطوره‌های در ساختن تصاویر درون متن نشان از حس اندوهبار و آرکائیسیم درونی نویسنده است که در تحلیل متن باید این نمادها و اشارات را در نظر گرفت «پیداست که در بررسی عنصر خیال در هر متنی ناگزیریم به مسائل روانی، اجتماعی، فردی، اقلیمی و جغرافیایی و محل زندگی توجه داشته باشیم». (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۳۹۴).

«*روز ورود بندگان همایون به مقر سلطنت روز افزون، لباس رسمی خود را پوشیده، در سلام، در همان جایی که عادتاً می‌ایستادیم، ایستادم....*» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۱۲۰). نویسنده به کمک کلمات و تصویر برآمده از بافت موقعیتی خویش به تجسم موضوع و القای معنی کمک می‌کند و قدرت تبیین و اندیشه برآمده از متن را بالا می‌برد. «*شاه‌طهماسبی بودن بهتر از هیچ بودن است، و رویهٔ ناقص به از پیروی سبک مجهول فرنگی بودن*» (همان: ۱۲۰).

۲-۳-۳- ناسیونالیسم

از برجسته‌ترین مؤلفه‌های حس نوستالژیکانه در متن خلسه حس ناسیونالیستی و یا همان گرایش به احساس درونی وطن‌پرستی می‌باشد. «واژه وطن معادل فارسی میهن^۱ و میهن از واژه مثن^۲ به معنای جای گزیدن و ماندن است» (پاشنگ، بی‌تا: ۵۴۷).

احساس علاقه، عشق و دوستی متعادل نسبت به وطن یک ویژگی فطری در وجود انسان‌هاست «فطرت انسان با مهر وطن سرشته است و یکی از علامت‌های رشد انسان اشتیاق نفس به زادگاه خویش است» (همایون تکمیل، ۱۳۵۹: ۵۳). اگرچه، افراط در این حس - حس وطن‌دوستی - در گستره تاریخ دلایل سیاسی - روانی خاص خود را داشت؛ این حس در خلسه گاهی با تمام تعصب ملی بیان می‌گردد «هر گوینده فردوسی نشود و هر نویسنده سعدی نگردد، چون چنین است پس به هم زدن سبک قدیم امری ناصواب است و به فرموده شیخ علیه‌الرحمه: *خلاف رأی اولی‌الالباب*». (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۱۲۰).

«تلقی قدما از وطن، گاهی چیزی به معنی خام ناسیونالیسم بود ولی بسیار مبهم و بیشتر در برخورد با اقوام بیگانه ظاهر می‌شد». (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۱: ۱۰۴). «از عهد قدیم یعنی از زمان سلطنت کی‌خسرو حاضر که بزرگ‌ترین سلطان عجم است.....» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۱۱۸). به هر حال دوری از وطن در هر حوزه برای اقشار آن حوزه - نوعی حس دلتنگی و واکنش احساسی برآمده از روان رنجور را به همراه دارد که آدمی بی‌آن که بخواهد اندوهگین و غمناک است. «وطن تعلق فطری انسان به میراث، داشته‌ها و زمینی است که انسان از فرط عشق به آن، وی را چون مادری می‌پندارد که دوری از آن دردناک است و موجب آه می‌گردد» (مهدی‌زاده آری، ۱۳۹۰: ۵۸۲).

گرایش ناسیونالیستی در متن خلسه و ذکر نام پادشاهان ایران باستان تا حدودی برآمده از احساسات ذهنی نوستالژی‌گونه است. «از کلمات و الفاظ آن هیچ نفهمیدم جز اسم کوروش که مکرر شنیدم چون به این نام نامی مسبوق بودم در حال دریافت نمودم که آن جلیل‌القدر عظیم‌الشأن که آمد و بر تخت زر قرار گرفت کی‌خسرو کیانی است» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۲۸).

عباراتی از تبیین نوستالژی و اقدامات پادشاهان قدرتمند تاریخ ایران در رساله خلسه - به عنوان مصادیقی برای برخی مفاهیم و نظریه‌های فوق - به شرح زیر آمده است؛

الف) کوروش هخامنشی (۵۵۹-۵۲۹): گرایش نوستالژیکانه آینده‌گرا برای اقدام به گسترش سرزمین ایران و پایه‌گذار جغرافیای سرزمینی ایران‌شهری در تاریخ.

^۱ - mihan

^۲ - maethena

اقدامات: فتح ماد سال ۵۴۷، فتح لیدی سال ۵۴۶، فتح بابل سال ۵۳۸، احترام به دین ملل، بازگرداندن یهودیان به اورشلیم، سیاست مذهبی و کشورداری کوروش، منشور حقوق بشر، در هم شکستن سه قدرت ماد، بابل و لیدی (کرزوس)، استقبال مردم بابل از کوروش با گل.

(ب) داریوش (۵۲۲-۴۸۶): بسط‌دهنده قلمرو ایران شهری، اصلاحات در امورکشورداری.

(ج) اشک اول: اقداماتی از قبیل: تأسیس حکومت اشکانیان به سال ۲۴۸ ق.م- جنگ با سلوکیان- مهارت در سوارکاری و ساخت تیر و کمان و نیزه و سلاح‌های آهنین.

(د) اردشیر بابکان: نماد پادشاه موبد و دین‌دار، تأسیس امپراتوری ساسانی.

(ه) انوشیروان: الگوی پادشاه آرمانی در اندیشه ایران شهری و مشهورترین و قدرتمندترین شاه ساسانی، انجام اصلاحات نظامی، مالیاتی و تجاری در حکومت ساسانی.

(و) شاه اسماعیل صفوی: تأسیس حکومت صفویان به سال ۹۰۷ ق.

(ز) نادرشاه: نماد آخرین پادشاه تاریخ ایران زمین در اخراج بیگانگان از مرزهای ایران، سرکوب شورش‌های داخلی و اهمیت به حفظ سرزمین ایران شهری (از سند تا فرات).

(ح) آقا محمدخان قاجار: تأسیس قاجاریه و انتخاب تهران به پایتختی، تشکیل ارتش قوی و قدرتمند، اهمیت به جغرافیای سرزمینی ایران.

جدول ۱: استنطاق خیالی ۱۱وزیر قاجار در رساله خلسه

ردیف	نام شاهان	وزرای محاکمه شده در خلسه
۱	کوروش	حاجی ابراهیم خان کلانتر
۲	کوروش	میرزاشفیعی
۳	دارای اول	صدر اصفهانی
۴	دارای اول	قائم مقام فراهانی
۵	اشک اول	میرزایوسف آشتیانی
۶	اردشیر بابکان	آقاخان نوری
۷	اردشیر بابکان	محمدحسن خان سپهسالار
۸	انوشیروان	حسین خان سپهسالار
۹	شاه اسماعیل	حاجی میرزاآقاسی
۱۰	نادرشاه	امیرکبیر
۱۱	آقامحمدخان	میرزاعلی اصغرخان اتابک

۲-۳-۴- برآیند اندیشه‌های نوستالژیکانه در آثار نویسندگان عصر قاجاریه

۱- فردی شدن ارزش‌ها

«پیچیده‌سازی جامعه، تکثیر و غنی‌سازی قلمرو جامعه انسانی و توسعه دانش همگی در عین آن که فی‌الفسه منفی نیستند اما به دلایل رشد ناقص توانایی عاملان در ادغام این دستاوردها و در مهار کردن و به ثمر نشان دادن آن‌ها در جهت شکوفایی، باعث شده است که این احساس رایج، که مدرنیته با آزادسازی قدرت‌های ستمگر و همراه داشتن فرهنگی بریده و قطعه‌قطعه از زندگی نوعی خشکانیده شدن روابط انسانی را موجب شده است؛ به وجود آید» (کوسه، ۱۳۸۵: ۸۵). رمان‌نویس مدرن که از آشفتگی زندگی در قرن بیستم و مرگ ارزش‌های انسانی احساس سرخوردگی می‌کند، ناگزیر به دنیای درون خود پناه می‌برد تا از این طریق بتواند مجموعه جدیدی از ارزش‌های سنت‌شکن را بیافریند.

۲- عطف توجه از لایه آگاه ذهن به لایه ناخودآگاه

رمان مدرن در دوره‌هایی ظهور یافت که نظریه انقلابی فروید درباره ضمیر ناخودآگاه و نشئت گرفتن اعمال و رفتار انسان از انگیزه‌های سرکوب شده‌ای که خود از آن بی‌خبر است، همه عرصه‌های فرهنگی و هنری از جمله ادبیات را سخت متأثر ساخته بود. توجه به اهمیت ضمیر ناخودآگاه در تعیین برداشت‌های انسان از واقعیت، منجر به این شد که نویسندگان رمان مدرن برخلاف رئالیسم قرن نوزدهم، به ثبت وقایع و گفتگوهای شخصی اکتفا نکنند، بلکه برای بررسی نحوه ادراک انسان، بیشتر به بازتاب این وقایع و گفتگوها در ذهن شخصیت‌ها پرداختند. «چشم‌ها را روی هم گذاشته، بلکه خواب روم و یا از خیال تن زنم» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۲۵).

۳- گرایش به الگوی سستی (خطی) زمان در متون خلسه‌ای:

تا پیش از پیدایش مدرنیسم، زمان در رمان برحسب ترتیب زمانی (دقیقه، ساعت، روز و...) تدوین و سنجیده می‌شد و روایت وقایع بر مبنای توالی رخدادها صورت می‌گرفت. اما رمان‌نویس مدرن زمان را بر حسب ذهن انسانی می‌سنجید که در آن گذشته و حال و آینده درهم می‌آمیزد. به همین سبب نویسندگان مدرن با توسل به فنونی از قبیل «سیلان ذهن» و «بازگشت ناگهانی به گذشته» - که می‌تواند بازگشت به اسطوره یکی از آن‌ها باشد، حس نوستالژیکی مبنای آن باشد- روایت را از زمان حال به گذشته و از گذشته به آینده تغییر می‌دهند. در همین راستا لازم به شرح می‌باشد که «در تفکر دهریه زمان چرخش دایره‌وار دارد، ولی تواتر زمان خطی که پایان معلوم دارد؛ را مطرح می‌کند اما اسلام معتقد به استمرار منظم زمان با آفرینندگی لحظات توسط خداوند است. این ادراک منفصل و ناپیوسته از زمان به صورت اوقات و آنات به معنی نفی کامل استمرار زمان نیست بلکه به معنی دوام حضور حق در هر لحظه‌ای از

زندگی است که این زمان، زمان شهودی است و درک آن ملزم به علم حضوری است که در قرآن با عنوان کلمه-حین^۱- آمده است حال آن که زمان خطی زمان عقلانی است» (ستاری، ۱۳۷۶: ۱۱۲).

متون تاریخی دوره قاجاریه و بعد آن، در استفاده از اسطوره و گرایش به گذشته دو رویکرد متفاوت دارند؛ گروهی معتقد است که پیچیدگی فوق‌العاده زندگی در عصر جدید و نیز فقدان ثبات و قطعیت در همه عرصه‌های زندگی، ما را با دگرگونی‌های بی‌وقفه و گسترده مواجه می‌کند که باید برای رهایی از این دنیای متحول، هرچه زودتر پناهگاهی آرام برای اندیشه‌های خود پیدا کنیم. لذا باور دارد که برای نشان دادن ذهنیت خویش و همچنین مشروعیت بخشیدن به نهادهای اجتماعی می‌توان به اسطوره‌ها پرداخت. آنگاه که این ضرورت احساس شود، اشتیاق به واقعیتی ماندگار، نویسندگان را به دنیایی فراسوی این جهان راهبری می‌کند تا با درافکندن مسائل همیشگی بشر چون عشق، رنج و مرگ به جهانی که معنای خویش را از دست داده بپردازند و آن را به افسون خیال و راز قابل تحمل سازند.

۲-۳-۵- نمودِ رویکرد جریان سیال ذهن در رساله خلسه اعتمادالسلطنه

جریان سیال ذهن^۱ که مبتنی بر یک راهبرد نوین روانشناختی است در پی آن است تا به لایه‌های درونی و لایه‌های پیش گفتاری ذهن شخصیت‌ها برسد و آن را به مخاطب برساند؛ گفتنی است که، در تداوم و ترویج و اشاعه این جریان «دیدگاه فلسفی و روانشناختی برگسون و ویلیام جمیز در مورد حافظه و زمان، و نتایج فروید و یونگ درباره ماهیت ذهن و ضمیر ناخودآگاه مؤثر بوده‌اند» (بیات، ۱۳۸۷: ۷).

در روش جریان سیال ذهن محتوای ذهنی شخصیت‌ها به طور صریح و بی‌پرده نمایان می‌شود و مخاطب، خویش را مستقیم درگیر این محتوای ذهنی نموده و با دنیای درون اشخاص و شخصیت‌های متن رابطه پیدا می‌کند «این افکار و تداعی‌ها که با روندی اتفاقی گزارش می‌شوند هسته اصلی داستان- متن- را شکل می‌دهند» (کادن، ۱۹۹۸م: ۴۲۲).

از طرف دیگر، در ادبیات جریان سیال ذهن، مؤلف و مخاطب با یک تجربه ذهنی و روحی که مشتمل بر خاطرات و تخیلات و نمادسازی‌های روحی می‌باشد؛ سروکار دارند. بحث بر روی یک «من برتر» و یک «انسان درونی»^۲ مطرح است و به طور کلی «موضوع عبارت است از وجود ذهنی و کیفیت ساز و کار ذهن» (حسینی، ۱۳۶۶: ۳۱).

برخی خلسه را نزدیک به مکاشفه تعبیر نموده‌اند، چیزهایی را ببیند یا درک کند که دیگران درک نمی‌کنند نزدیکی خلسه به عالم مکاشفه نیز بی‌ربط به جریان سیال ذهن نیست بلکه می‌توان ارتباطی را بین این موارد پیدا کرد.

^۱ - stream of consciousness

^۲ - Internal man

از برجسته‌ترین مؤلفه‌های جریان سیال ذهن در متن خلسه عبارت‌اند از:

الف) حدیث نفس یا خودگویی:^۱ از دیگر مؤلفه‌ها در بیان به شیوه جریان سیال ذهن که در داستان نمود بارزی دارد حدیث نفس یا همان خودگویی است؛ حدیث نفس، آن است که ما از افکار و مقاصد ذهنی شخصیت در لابه‌لای مطالب باخبر شویم (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۴۱۷). برای نمونه در استنطاق حاجی میرزا آقاسی آمده است؛ «من از طلاب ایروان بودم و راه حکمت و عرفان می‌پیمودم.... بعدها معلم بعضی از اولاد شاهزاده عباس‌میرزا شدم.... روزی در مجلسی از سلطنت صحبت می‌رفت من غیبت‌گویی کردم و به آن شاهزاده آزاده گفتم: شما سلطان خواهید شد؟». (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۶۹).

ب) شعرگونگی: از دیگر شگردهای روایت در روند جریان سیال ذهن که در متن خلسه هم به وفور دیده می‌شود؛ شعرگونگی است در این شگرد مؤلف با بهره‌گیری از عناصر شگفت‌آفرین بیانی و زبانی، بدیعی و... متن و داستان مورد نظر را به شعرگونه می‌رساند تا جایی که مخاطب تحت تأثیر همین عناصر به نوعی از اصل داستان و متن فاصله می‌گیرد. دو تا از نکات برجسته مربوط به عنصر «زمان» که در شیوه جریان سیال ذهن می‌باشد و در متن خلسه نیز کاربرد فراوان دارد عبارت‌اند از: (الف) در جریان سیال ذهن زمان به صورت هم زمانی عمل می‌کند نه به صورت در زمانی. (ب) غالباً زمان مورد نظر در جریان سیال ذهن یک زمان ذهنی است نه یک زمان تقویمی (بیات، ۱۳۸۷: ۱۰۲). «دانستم که جوهر لیاقت است... او را مدعی سلطنت ایران دیدم یقینم شد که عن‌قرب طومار استقرار زندیه پیچیده می‌شود و بساط حشمت قاجاریه گسترده...» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۵۰).

۳- نتیجه‌گیری

اعتمادالسلطنه از منورالفکران تأثیرگذار دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه بوده که در تکوین ادبیات شبه‌مدرن ایران و تاریخ‌نگاری نوین نقش اساسی داشته (به ویژه از طریق ترجمه آثار مختلف داستانی رمان‌نویسان غربی و نگارش یک داستان منثور به تقلید از رمان‌های اروپایی) است. این منورالفکر متجددمآب از طریق ترجمه آثار داستانی و غیرداستانی اروپایی (البته عمدتاً داستانی) به ترویج مشهورات فرهنگی و ایدئولوژیک مدرنیستی در ایران پرداخت. مؤلف در این کتاب در عالم خلسه (بین خواب و بیداری) پادشاهان و صدراعظم‌های دوران قاجار را به بازپرسی کشیده و درباره آنها قضاوت کرده است. قهرمانان تاریخی ایران، به عنوان نوستالژی گذشته‌گرایی مبتنی بر حس ناسیونالیستی و باستان‌گرایی، در متون ادبی-تاریخی ایران به ویژه در کتاب خلسه که از آخرین نوشته‌های اعتمادالسلطنه است نمود خاصی یافته است. او که جرأت نمی‌کرد اندیشه‌های سیاسی خود را آشکارا بر زبان آورد در این کتاب چنان وانمود می‌کند که در حالت بین خواب و بیداری دیده است که پادشاهان ایران یازده تن از صدر اعظمان قاجار را از حاجی ابراهیم اعتمادالدوله شیرازی تا میرزا علی‌اصغرخان اتابک مشهور به امین‌السلطان، از زبان

قهرمانان تاریخی ایران با رویکرد نوستالژیکانه به بازپرسی کشیده و درباره آنان داوری کرده‌اند. خلسه را شاید بتوان حالت خاصی دانست، که انسان در آن می‌تواند با ابعاد ماورائی و الهی وجود خود ارتباط برقرار کند و توجه خویش را از امور عادی و معمولی جدا کند؛ حالتی بین خواب و بیداری، که بخش خودآگاه ذهن کنار رفته و بخش ناخودآگاه فعال می‌شود که از این حالت می‌توان برای القای معروفات و یا برای القای منکرات استفاده نمود. همین تعریف و شرح از خلسه را مضمون عبارت متن تا حدودی مشاهده می‌نماییم «میان نوم و یقظه بودم که صدای مهممه شنیدم، چشم راست خود را گشودم و در و بام را نظر نمودم، دیدم احدی نیست اما از هر طرف صداها مسموع می‌شود. رُعب مرا فرا گرفت با خود اندیشیدم و گفتم خانه خدا جای جن و پری نیست پس این همه صدا چیست و از کیست؟ قوه واهمه زور آورده نگذاشت قرار بگیرم...» (اعتماد السلطنه، ۱۳۵۷: ۲۵).

چنان‌که بررسی محتوای خلسه نشان می‌دهد، همه ۵۵ صفحه‌ای که در مورد صدور دهگانه قاجار تا آن روزگارنوشته شده در واقع مقدمه‌ای برای متن ۶۶ صفحه‌ای «استنطاق امین‌السلطان» بوده است. اعتماد السلطنه در این کتاب زندگی و فعالیت‌های امین‌السلطان در زمینه اعطای قراردادهای سیاسی و تأمین اهداف سیاست استعماری انگلیس را آن‌گونه که خود می‌دیده، نوشته و «خیانت‌های» او را یک‌به‌یک و از زبان خودش شرح داده است.

منابع

- ادبیات معاصر (بی‌تا)، عباسعلی وفایی، چاپ اول، نشر سخن.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۸۴)، مقاله «چگونه تاریخ ایران را بنویسیم»، مجموعه مقاله «نامه ایران»، به کوشش حمید یزدان‌پرست، جلد اول، تهران: نشر اطلاعات.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۵۷)، خلسه، به کوشش محمود کتیرایی، تهران: انتشارات توکا.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۸۹)، روزنامه خاطرات، مقدمه ایرج افشار، تهران: نشر امیرکبیر.
- بیات، حسین (۱۳۸۷)، داستان‌نویسی جریان سیال ذهن، انتشارات علمی و فرهنگی.
- بهاء ولد (۱۳۶۸)، معارف، چاپ دوم، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- پاشنگ، مصطفی (بی‌تا)، فرهنگ واژه‌های فارسی.
- حسینی، صالح (۱۳۸۰)، فرهنگ برابره‌های ادبی، تهران: نشر نیلوفر.
- حسینی، صالح (۱۳۶۶)، مقاله «جریان سیال ذهن»، مجله مفید، شماره دهم.
- دستغیب، عبدالعلی، (بی‌تا) نگاهی به مهدی اخوان ثالث، تهران: نشر مروارید.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۵)، ارزش میراث صوفیه، نشر امیرکبیر.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۸)، آشنایی با نقد ادبی، چاپ هشتم، نشر سخن.
- زرین‌کوب، حمید (۱۳۶۷)، مجموعه مقالات، تهران: نشر معین.
- فرهنگ آکسفورد (۱۹۹۳م)، A.S. Hornboy، چاپ چهارم.
- فلکی، محمود (۱۳۷۸)، سلوک شعر، نشر محیط.
- فلمار، کلاوس برند (۱۳۷۶)، رنگ و طبیعت شفاف‌بخش آن، ترجمه شهناز آذرنیوش، نشر ققنوس.
- ستاری، جلال (۱۳۷۶)، پژوهشی در قصه اصحاب کهف، چاپ اول، نشر مرکز.
- شریفیان، مهدی (۱۳۸۷)، نوستالژی در اشعار اخوان ثالث، مجموعه مقالات سفر در آینه (نقد و بررسی).
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۱)، ادوار شعر فارسی، تهران: نشر سخن.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۶)، موسیقی شعر، تهران: نشر آگه.
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۹۱)، تحلیل نشانه- معناشناختی خلسه در گفتمان ادبی، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، سال ۹، شماره ۳۶-۳۷.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۷)، انواع ادبی، چاپ اول، تهران: نشر میترا.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۲)، سبک‌شناسی شعر، چاپ نهم، انتشارات فردوس.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۸)، نقد ادبی، چاپ سوم (ویرایش دوم)، تهران: نشر میترا.

- غنی‌پور ملک‌شاه، احمد؛ خوشه چرخ، علی‌اصغر و عبادی جامخانه، رضا (۱۳۸۹)، امام زمان (عج)، نوستالژی آینده‌گرا در اشعار سلمان هراتی، مجله ادبیات دینی، مشهد. شماره ۱.
- گلدمن، لوسین (۱۳۷۲)، «جامعه‌شناسی ادبیات»، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: انتشارات هوش و ابتکار.
- طغیانی اسفراینی، اسحاق - به همراه محبوبه - همتیان (۱۳۸۹)، معراج یا خلسه‌های نظامی، تجربه مشترک عرفا، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد سنندج، سال اول، شماره ۴.
- مهدی‌زاده آری، رضا (۱۳۹۰)، جلوه‌های وطن‌دوستی در سروده طالب آملی، مجموعه مقالات نخستین همایش طالب آملی، نشر طالب آملی.
- میرصادقی، جمال (۱۳۷۶)، عناصر داستان، تهران: نشر سخن.
- همایون تکمیل، ناصر (۱۳۵۹)، میهن‌دوستی در ایران، تهران: نشر استقلال.
- یاوری، حورا (۱۳۷۴)، روانکاوی و ادبیات، چاپ اول، نشر تاریخ ایران.
- Cuddon, j.A. Preston, Claire (1998). A Dictionary of Literary Terms and Literary Theory. Oxford UK: Blackwell.
- Ricoeur, p.soj-meme comme un autre, parsi: Seuil 1990.



Appearance of Nostalgia Khalse Treatise of Etemad al-Saltanah

Reza EbadiJamkhaneh¹

Received: 11 February 2025

Accepted: 18 March 2025

Abstract

The purpose of the researchers in this article is to examine "the appearance of nostalgia in the Khalse Treatise of Etemad al-Saltanah" (1843-1895). This treatise is his latest writings containing his political thoughts based on the discourse system of contemplation (Khalse). Khalse or contemplation is the same psychological state in human existence in which the unconscious part of the mind is more active than the conscious part. In other words, it is the same entrance to the subconscious world of the mind with psychological approach and nostalgia is referred to as "regret" to something that has been lost. The information was analyzed using analytical-historical research. Etemad al-Saltanah is one of the intellectual open-minded persons during Naseri period that played a key role in the development of the Iranian pseudo-modern literature and modern history. His purpose, in writing Khalse Treatise, was to inquire the minister of Qajar Period imaginatively, in particular, Hussein Sepahsalar and Amin al-Sultan. The results of the study show that the archaism and nationalism are two components of nostalgic sentimentality in the text of the contemplation (khalse), indicating the existence of this feeling in the contemplation discourse. The work of Etemad al-Saltanah is partly the basis of the pre-constitutional literature.

Keywords: Nostalgia, Khalse, Qajar Literature, Etemad al-Saltanah.

¹ - PhD in the History of Iran after Islam, Education and Training in Neka County. Email: ebadifr@gmail.com.